

آسیب شناسی رواج تنو با طرح پتو

کیرک (۳)

عبید ماکرانی



یکی نیست بگه
کسی که طاقت به سوزن
نداره. دیگه تنو فیلس
چی می شه؟

شادروان چقدر
این تنو فیل رو دوست
داشت! اجل مهلتش نداد
ببینش!

بله.
شندیم مرحوم
هنوز به خرطومش
نرسیده بود. سکنه
کرد!

کارتون: شهرام شیرزادی

مدتی است که مد جدیدی بین جوانان و حتی نو جوانان و میان سالان و سالمندان شایع شده که ممکن است عواقب بدی به همراه داشته باشد. نه، منظورمان مصرف دخانیات و مخدرها نیست، آن خیلی وقت است مد شده! منظور تنو یا همان خالکوبی قدیم خودمان است. طوری شده است که بعضی ها را در خیابان می بینی، نمی توانی تشخیص بدهی که دارد می رود یا می آید، از بس همه جایش را تنو زده است. گذشته از بحث فرهنگی، انجام این عمل در مراکز غیر بهداشتی می تواند عواقب بسیار خطرناکی داشته باشد. کار به جایی رسیده است که بعضی از ورزشکاران کشورمان برای معاف شدن از خدمت سربازی، مدرک می آورند که ما خالکوبی داریم و وقتی می گویند این دلیل برای معافیت نیست، می گویند چون این را زدیم، یعنی تعادل روانی نداشتیم! در این مطلب به آسیب شناسی رواج بی رویه تنو بین شهروندان می پردازیم.

کودک زنی

مسئله بعدی این کار، تنو روی دست و بال بچه های خردسال است. حتما فیلم هایش را دیده اید که پدر و مادرهای نالایق، کودک خود را به تنو زنی (راستی به جایی که تنو می زنند، چه می گویند؟ تنو زنی؟ تنو کوبی؟ تنو خانه؟ تنو کده؟) برده و طفل معصوم از همه جا بی خبر، وقتی اولین سوزن را می خورد، تازه می فهمد قرار است چه بلایی به سرش بیاید. ولی مادر یا پدر یا خاله اش که موبایل در دست مشغول تولید محتوا برای پیجش است، اول با لبخند سعی می کند او را ساکت کند و بعد آخرهای ویدئو با فحش هایی که مجبور است روی صدایش بوق بگذارد. خب چه کاری است؟ خیلی مشتاقی، خودت تنو بزنی، بچه چه گناهی کرده است؟

آیه تاریخی

نکته مهم در تنو هایی که این روزها روی دست و صورت و جاهای دیگر بعضی ها می بینیم، اشکال و عباراتی است که هیچ سنخیتی با فرهنگ و آیین و آداب کشورمان ندارد. مثلا طرف تا پارسال picture را پیکتیوره می خوانده و به photo می گفته پهو تو، می بینی روی دستش یک پاراگراف انگلیسی تنو کرده که جاکم آورده و آخر خط نوشته است «ادامه در صفحه بعد». بعد که معنی اش را می پرسی، می گوید «فلسفه زندگی که از سطح سواد تو خارجه!» یا یکی دیگر، دورترین جایی که سفر کرده، دور برگردان ته جاده شاندریز بوده، بعد عکس مجسمه ابوالهول را پشتش تنو کرده، آن قدر بزرگ که کله ابوالهول روی گردنش است و دست و پا های ابول، زیر کمرش. (البته این مورد در استخر به چشممان خورد.)

تنو بایزاشانتیون

نکته مهم بعدی آلودگی بعضی از این خالکوبی هاست. طرف به جای اینکه به یک مرکز معتبر و رسمی برود، می رود پیش عمه ناتنی دوستش که پیچش را در اینستا دیده و نفهمیده است که فالوئرهایش فیک هستند و عکس مدل هایش هم ساخته هوش مصنوعی! در تبلیغات، یک سالن مجهز و باشکوه دیده است و وقتی می رود، می بیند که مکان، زیر پله یک جگرکی است که قبل از ورود باید اسم رمز بگوید و از بین سوسک و موش رد شود. تا اینجا که خوب است. بعد که وارد می شود، می بیند یک جنازه کنار دیوار افتاده است و وقتی

می ترسد، عمه ناتنی می گوید نترس، همسرم است که چرت می زند. هنوز جای خویش است. مسئله اصلی وقتی است که می خواهد سوزن و جوهر را بیاورد. سوزن که سنجاق قفلی لحاف را باز کرده است و جوهر هم جوهر خودکار بیک آبی است که هااا می کند تا جوهرش نرم شود. در نهایت هم عکس یک شیر غران را نشان می دهد که با خوش حالی زیرش دو بیت شعر است. ولی وقتی کار تمام می شود و تنو آینه خودش را نگاه می کند، یک ببر روی پتو پلنگی بدون یال و شکم و دم تحویل گرفته که چون سواد درست و حسابی نداشته هم شعر را نتوانسته است بخواند، به جایش یک چشم با اشک در گوشه اش تنو زده است، همراه با ایدز و هپاتیت و تیفوس و سفلیس!

۵

۴ مهر ۱۴۰۵ / شماره ۱۸۲

پایه ۴



که این موجودات واقعا معتقدند انبار کردن مواد غذایی می تواند جلو یک پدیده اقتصادی را بگیرد؟ یا شاید این فقط یک مراسم آیینی برای تخلیه ترس های درونی شان است که ماهنوز درک نکرده ایم؟ مشاهدات مادر زمین هنوز ادامه دارد. برای درک بیشتر هم از روی بودجه تحقیقاتی، دو کارتن ماکارونی و چندین روغن گرفته ایم تا میزان اثرگذاری آن روی وحشت جمعی را بررسی کنیم. فعلا بیشتر از این از مداخله خودداری می کنیم تا ببینیم آیا بعد از تمام شدن این ماکارونی ها، آن ها به حالت عادی بازمی گردند یا خیر. تماس، فرت.

نامرئی به نام تورم می شود. هنوز در شناسایی دقیق این دشمن بشر ناکام مانده ایم، ولی حدس می زنیم ظهور او ارتباط مستقیمی با قیمت دلار داشته باشد. به محض دستگیری تورم، یک نمونه از آن را برای آزمایشگاه سیاره ارسال خواهیم کرد. این موجودات تصور می کنند با خرید بیست کیلوگرم روغن نباتی در یک روز، می توانند جلو چرخش اقتصاد جهانی را بگیرند یا آن را به نفع خود متوقف کنند. آن ها چنان با عصبانیت به یکدیگر در صف خرید تنه می زنند که انگار اگر نفر جلویی یک قوطی کنسرو بیشتر بردارد، بقای نسل آن ها به خطر می افتد. حال سؤال این است